

حکم فقهی برخورد با اسراف در جهت تقویت اقتصاد با نگاه به بیانیه گام دوم انقلاب

□ محمد حسن عظیمی *

چکیده

تحقیق پیش رو به عنوان حکم فقهی برخورد با اسراف و تبذیر در جهت تقویت اقتصاد تدوین گردیده است. از نگاه فقها، زیاده روی و بی جا مصرف کردن بدترین مانع رشد و توسعه ی اقتصاد اند. و حرمت آنان به دلایل اربعه: (کتاب، سنت، اجماع، عقل) ثابت شده است و فقها این دو کار را از گناهان کبیره شمرده اند. بنابراین؛ اهمیت و ضرورت این موضوع از موضع گیری صریح آیات، روایات و فقها به خوبی روشن گردیده است. و از مهم ترین اهداف رهبران الهی؛ مبارزه با اسراف و تقویت نظام اقتصادی اسلام بوده است. میزان اسراف در نظام اقتصادی اسلام، به حکم عقل، شرع، و عرف جامعه مشخص شده است. مبارزه با این پدیده زیانبار از نظر فقها در فرایند تقویت نظام اقتصادی اسلام در دو حوزه ی داخل کشورهای اسلام و بین الملل بررسی شده است.

در حوزه ی داخلی کشورهای اسلامی مقابله با اسراف، نیز به دو بخش فردی و اجتماعی تقسیم شده است دانشمندان اسلامی برای پیش گیری از پی آمدهای منفی این دو پدیده و تقویت نظام اقتصادی اسلام در حوزه ی فردی، اموری مانند: (ایمان، رضایت خداوند، تقوای الهی، مساعدت و همدردی با فقرا، قناعت، مجازات اسراف کاران، اسراف زمینه سازگناه» را ذکر کرده اند. قرآن و روایات صریحاً اسراف کاران را (برادران شیطان، هلاک شدگان، مبعوض خداوند، اهل دوزخ، محروم از هدایت الهی، قسی القلب، خوار و ذلیل در دنیا و نزد خداوند، مفسدین در زمین و تکذیب کنندگان انبیا و رهبران الهی) معرفی کرده اند.

در سطح اجتماع راه های کاربردی را مانند: (نقش مسئولین در مقابله با اسراف، بیکاری و اتلاف عمر، مدیریت خوب و ارائه الگوی صحیح مصرف، در جامعه و آموزش و پرورش، جذب

* دانش آموخته سطح چهار فقه و معارف اسلامی (گرایش تفسیر و علوم قرآن)، جامعه المصطفی العالمیه

کارگزاران صالح، قطع رابطه با اسرافکاران، الگوی ساده زیستی، تربیت خانوادگی، احساس وظیفه ما در برابر ثروت آیندگان، امر به معروف و نهی از منکر) ارائه کرده اند.

در قلمرو بین الملل، مبارزه با این پدیده ی شوم سبب حفظ اقتدار، توسعه ی اقتصاد و نفی استعمار می-گردد.

کلیدواژه ها: حکم فقهی اسراف، تبذیر، مبارزه با اسراف، اعتدال، پیامدهای اسراف.

مقدمه

با توجه به این نکته که پیرامون اقتصاد مقالات گوناگون و از زوایای مختلف نگاشته شده است، اما این پژوهش بانگاه کاملاً نو به این مباحث پرداخته است.

اقتصاد از نظر فقههای اسلام مانند خون سالم در رگ های بدن انسان است که سبب حیات و فعالیت و پیشرفت او می گردد. اگر در جریان خون، نارسایی یا آلودگی پیدا شود، یقیناً تمام اعضای بدن بیمار و برای همیشه محتاج و نیازمند می شود، اهمیت اقتصاد همانند خون سالم در بدن انسان است. در مقابل آن، ریخت و پاش و افراط در اقتصاد مانند ویروسی است که جامعه را ضعیف و بیمار و آسیب های جبران ناپذیری به پیکر جامعه و فرد وارد می کند. البته اسلام که مکتبی سعادت بخش برای بشر است، پدیده ی اسراف را امری ناپسند دانسته و پیروانش را به اعتدال و میانه روی توصیه نموده است؛ چون جامعه ی سالم در گرو اقتصاد سالم است.

پیشرفت و موفقیت در تمام عرصه ها، با رواج مصرف صحیح در جامعه صورت می گیرد و این مصرف صحیح با فرهنگ سازی و اراده ی مردمی و تلاش همه جانبه، تحقق می یابد و مشکلات ناشی از محدودیت های منابع، و تأثیرات منفی را در جامعه از بین می برد.

الف- مفاهیم

۱. مفهوم لغوی فقه

حروف (ف-ق-ه) اصل ریشه ی واژه «فقه» است به معنای «مطلق فهم، رسیدن و علم به هر چیزی» (ابن فارس، ج ۴، ص: ۴۴۲؛ فیروزآبادی، ج ۴، ص: ۳۰۴) که به خاطر سیادت، شرافت و فضیلت علم دین بر سایر علوم. واژه فقه بر علم دین اطلاق شده است همانند واژه «نجم» به ثریا یعنی ستاره پروین، (ابن سیده، ج ۴، ص: ۱۲۸؛ ابن فارس، ج ۴، ص: ۴۴۲؛ ابن منظور، ج ۱۳، ص: ۵۲۲) هم چنین به «موشکافی، ریزینی و فهم دقیق» معنا کرده اند. (عسکری، ص: ۸۰) برخی «فقه» را به «رسیدن از علمی شهودی و حسی به علمی غائب و نامحسوس معنا کرده است. (راغب اصفهانی، ص: ۶۴۲) با دقت و تأمل به عبارات لغویانی که در صدد تعیین فرق های ظریف بین واژگان متشابه برآمده اند به این نتیجه می رسیم که «فقه» در لغت، مطلق فهم نیست بل که فهم دقیق، ریزینی و ادراک دقیق را «فقه» گویند.

۲. معنای اصطلاحی فقه

واژه ی «فقه» در اصطلاح قرآن و احادیث به علم وسیع و عمیق به معارف و دستوره های اسلامی گفته می شود و به بخش خاصی منحصر نیست. با نظر به این تعریف، فقه مجموعه ای کامل، پویا و سازنده ی معارف اسلامی است که شامل مسائل اعتقادی، حقوقی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حکومتی اسلام می گردد. اما بتدریج واژه «فقه» در اصطلاح علما از این معنای گسترده به «فقه الأحکام» اختصاص یافت. لذا در اصطلاح، فقه، تنها بر بخشی از معارف دینی یعنی احکام عبادات و معاملات اطلاق می گردد. درباره تعریف اصطلاحی فقه گفته شده است: «وَالْفَقْهُ فِي الْإِصْطِلَاحِ هُوَ الْعِلْمُ بِالْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ الْعَمَلِيَّةِ بِالِاسْتِدْلَالِ» (عطار، حسن، ج: ۱، ص: ۵۷؛ النفراوی، شهاب الدین، ج: ۱، ص: ۲۲؛ أبو العباس، ج: ۱، ص: ۵۷). در زمان امام صادق (ص) چون دانش هایی نظیر دانش توحید یا کلام، دانش اخلاق (معرفة النفس)، دانش تفسیر و ... از مسائل فقه جدا شده بود فقه، تنها در احکام فرعی به کار می رفت و درست در این عصر بود که در کلمات کسانی چون شافعی فقه به «علم به احکام شرعیّه عملیه ای که از

طریق ادله تفصیلیه به دست می‌آید» (عطّار، حسن، ج: ۱، ص: ۵۷). تعریف شد و نزدیک به همین تعبیر در تعریفات فقها و اصولیون فریقین به چشم می‌خورد. (ر. ک: قمی، ج: ۱، ص: ۳۶، ج ۱، ص ۲۱؛ معالم الدین، ج: ۱، ص: ۹۰؛ حکیم، ج: ۱، ص: ۴۰).

تنها تفاوت در تعبیر به «فرعیه» است که در کلمات فقهای شیعه چون شیخ طوسی و صاحب معالم به جای «عملیه» نشسته است. با قید «فرعیه» اصول دین و اصول فقه و با قید «عملیه» مسائل مرتبط به اعمال قلب که در علم اخلاق از آن بحث می‌شود، نظیر حرمت ربا، حسد، کبر و ... نیز خارج می‌گردد. (ر. ک: مجموعه من المؤلفین، ج ۱، ص ۱۳).

هم چنان که با قید «ادله تفصیلیه» علم مقلد به فتاوی مرجع تقلیدش «فقه اصطلاحی» به حساب نمی‌آید. همان طور «فقیه اصطلاحی» نیز تنها بر مجتهد اطلاق می‌گردد و شامل مقلد نمی‌شود. به هر صورت، در اصطلاح اصولیون و فقها، فقه مجموعه‌ای از قوانین، دستورات و امر و نهی‌هایی است که فقیه، از منابع و ادله تفصیلی آن استنباط می‌کند و موضع عملی بندگان را در برابر خالق رقم می‌زند و به آن ها می‌آموزد که چه عکس العملی در مقابل مولای حقیقی‌اش داشته باشد. (مکارم، ج: ۱، ص: ۳۸). چنانچه امام خمینی (ره) می‌فرماید: «فقه، علم به احکام شرعی فرعی است که از طریق ادله تفصیلی به استناد کتاب، سنت، اجماع و عقل به دست می‌آید. از این رو، کسانی که در این رشته، تخصص داشتند، به عنوان «فقها» شناخته شدند.

۳. اهتمام ویژه امام خمینی (ره) به فقه

امام خمینی (ره) به فقه اهمیت زیادی می‌داد، از آن به عنوان شریف‌ترین علوم یاد کرده، جایگاهش را در رأس درس‌های حوزه قرار می‌داد و بقای اسلام را در گرو فقه و احکام آن می‌دانست و حوزویان را به جدّیت در فراگیری فقه و تقویت آن سفارش می‌کرد. (یوسفیان، ج: ۱، ص: ۹۸).

اسراف در لغت و اصطلاح

برای فهم صحیح هر بحث لازم و ضروری است که در مرحله ی اول باید اصطلاحات آن را

از لحاظ لغت و اصطلاح بشناسیم.

۱. اسراف در لغت

واژه «سَرَف» (بفتح س - ر) به معنای در گذشتن و تجاوز کردن از حدّ در هر کاری که انسان آن را انجام می دهد. گرچه در مورد انفاق و بخشش مشهورتر است. (ابن منظور ج ۹، ص: ۱۴۹؛ المحکم و المحيط الأعظم، ج ۸، ص: ۴۷۶) اسراف در لغت: اسراف به معنای «زیاده روی از حدّ و اعتدال» می باشد. (مجمع البحرین، ج ۳، ص: ۲۱۷) و به معنای ضدّ میانه روی و تجاوز از حدّ و اعتدال است (فراهیدی، ج ۷، ص: ۲۴۴؛ مجمع البحرین، ج ۳، ص: ۲۱۷؛ الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۴، ص: ۱۳۷۳. قرشی ج ۳، ص: ۲۵۸) واژه «سرف» گاهی به اعتبار قدر و اندازه و گاهی به اعتبار کیفیت است. و لذا (ابن منظور، ج ۹، ص: ۱۴۸؛ راغب اصفهانی، ص: ۴۰۷؛ المحکم و المحيط الأعظم، ج ۸، ص: ۴۷۶). گفته اند هرچه را که در راه غیر خدا انفاق کنی آن کار اسراف است هر چند که کم باشد یا زیاد. اسراف مطلق است هم اسراف در مال و غیر آن را حتی اسراف در قصاص را در بر می گیرد. (ابن منظور، ج ۹، ص: ۱۴۸؛ راغب اصفهانی، ص: ۴۰۷).

۲. اسراف در اصطلاح

با تأمل در آیات، احادیث و اقوال اندیشمندان دینی که خواهد آمد، بدین نتیجه دست می یابیم که اسراف در اصطلاح و فرهنگ دین چیزی جز آن چه در معنای لغوی بکار می رود نیست. و تفاوت چندانی میان این دو دیده نمی شود شایان ذکر است که در فرهنگ قرآن و روایات، توسعه ای از نظر مصادیق در واژه اسراف داده شده، و در موارد خارج از امور مالی نیز به کار رفته است؛ مثلاً به مطلق گناه، «اسراف بر نفس» اطلاق شده مانند آیه: (۵۳/ زمر) و در مورد زیاده روی در قصاص مانند آیه: (۳۳/ اسراء) و گاه درباره داوری و قضاوتی که منجر به دروغ می شود مانند آیه: (۲۸/ غافر) و برخی اوقات به برتری جویی و استکبار و استعمار آمده مانند آیه: (۳۱/ دخان) «إِنَّهٗ كَانَ عَالِیاً مِّنَ الْمُسْرِفِیْنَ» که در مورد فرعون است. شاید بتوان گفت که همه ی آن ها به «تجاوز از حد» باز می گردد. طبرانی می گوید: اسراف به معنای تجاوز از حد است و

این تجاوز یا تجاوز از حلال به حرام، یا تجاوز از حد متعارف در مسئله انفاق، و یا اسراف در خوردن است به اندازه‌ی که ضرر به انسان وارد شود. (طبرانی)، ج ۳، ص: ۱۳۴، ۲۰۰۸ م) اما معنای اصطلاحی اسراف نسبت به مفهوم لغوی محدودتر است؛ چون تجاوز از حدی که از نظر عقلا قبیح باشد اسراف به حساب می‌آید. محقق نراقی در کتاب عوائد الایام پس از نقد و بررسی مفهوم لغوی و بحث از ملاك اندازه‌ی که تجاوز از آن معنای اسراف را ثابت می‌کند از قول محقق اردبیلی می‌نگارد که اسراف عبارت است از: هزینه مال در مواردی که از نظر عقلا قبیح باشد یا در مواردی که هزینه سزاوار نیست (نراقی، ج ۱، ص: ۲۲). آیت الله خویی در مقام تبیین اسراف اصطلاحی می‌نویسد: ادله حرمت اسراف زینت مساجد را شامل نمی‌شود؛ زیرا مفهوم اسراف متقوم است به هزینه مال در مواردی که غرض عقلایی ندارد. (خویی، ج ۳، ص: ۲۱۵).

با توجه به این توضیح هر گونه تجاوز از حد اسراف نیست. بل که تجاوز از حدی که غرض عقلایی بدنال آن نباشد و مورد تقبیح عقلا باشد اسراف است.

تبذیر در لغت و اصطلاح

جهت فهم صحیح مطلب ناچاریم که مفاهیم لغوی و اصطلاحی واژه‌ها را خوب درک کنیم

۱. تبذیر در لغت

تبذیر در لغت: از ریشه «بَذَر» که در اصل به معنای دانه افشانی است و به طور کنایه برای ریخت و پاش کردن ثروت به کار می‌رود (مفردات راغب ماده «بَذَر») و به معنای تفریق و پخش کردن چیزی است و بعداً برای «بریز و پاش بیهوده» در راه فساد و حرام استعمال شده است، (تهذیب اللغة، ج ۱۴، ص: ۳۰۷).

۲. تبذیر در اصطلاح

امام صادق (ع) در ذیل آیه (۲۶/اسراء): «وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا» می‌فرمایند: «مَنْ أَنْفَقَ شَيْئًا فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَهُوَ مُبَذِّرٌ وَمَنْ أَنْفَقَ فِي سَبِيلِ الْخَيْرِ فَهُوَ مُقْتَصِدٌ؛ کسی چیزی را در راه حرام مصرف

کند، تبذیر کننده است و کسی که در را خیر اتفاق کند این کار میانه روی است.» (تفسیر العیاشی، ج ۲، ص: ۲۸۸) (مجلسی، (ج ۷۲)، ۱۴۰۳: ۳۰۲) دقت در مسأله «اسراف و تبذیر» تا آن حد است که در حدیثی می‌خوانیم: پیامبر اکرم (ص) از راهی می‌رفت، یکی از یارانش به نام «سعد» مشغول وضوء گرفتن بود، آب زیاد می‌ریخت، فرمود: چرا اسراف می‌کنی ای سعد! عرض کرد: آیا در آب وضوء نیز اسراف است؟ حضرت فرمود: «نَعَمْ وَإِنْ كُنْتَ عَلَى نَهْرٍ جَارٍ» «آری هر چند در کنار نهر جاری باشی. (تفسیر الصافی، ج ۳، ص: ۱۸۸) «تبذیر» و «اسراف» گاهی به یک معنا می‌آیند مانند کلام گهربار امیرالمومنین (ع) که می‌فرماید: «أَلَا وَإِنَّ أُعْطِيَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَاسْرَافٌ وَهُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَيَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ وَيُكْرِمُهُ فِي النَّاسِ وَيُهِنُّهُ عِنْدَ اللَّهِ» آگاه باشید! بخشیدن مال در غیر موردش، تبذیر و اسراف است هر چند ممکن است این کار در دنیا سبب سربلندی کسی که آن را انجام داده است شود، ولی در آخرت، موجب سرافکندگی وی خواهد گشت، این کار او را (چند روزی) در میان مردم (دنیاپرست) گرامی می‌دارد ولی در پیش گاه خدا به زمینش می‌افکند (نهج البلاغه، خ، ۱۲۶). و این دو کلمه گاه به دو معنی به کار می‌روند، زیرا «تبذیر» به معنی دقیق کلمه با اسراف متفاوت است «تبذیر» از ماده «بذر» به معنای پاشیدن دانه در زمین است و در جایی بکار می‌رود که انسان نعمت خدا را ضایع کند و به دور بریزد و به تعبیر دیگر مال را در غیر موردش مصرف کند ولی «اسراف» زیاده‌روی در مصرف کردن نعمت هاست به طوری که از حد اعتدال بیرون باشد بی آن که ظاهراً چیزی ضایع گردد مانند این که غذای بسیار زیاد و گران قیمتی برای چند نفر آماده کنند که با قیمت آن می‌شود تعداد نفرات زیادی را غذا داد. (ر: ک: مکارم، پیام امام امیر المومنین ۷ ج: ۵، ص: ۳۰۸).

فرق بین تبذیر، تقتیر و تدبیر

فرق بین این واژه‌ها، در کلام امام صادق (ع) روشن می‌گردد: «روایت شده که مردی از امام صادق علیه السلام پرسید اندازه‌ی تدبیر، تبذیر و تقتیر چیست؟ حضرت فرمودند: تبذیر این است تمام مالت را تصدق دهی، تدبیر آن است که قسمتی از مالت را اتفاق کنی، تقتیر این است که

چیزی از مالت را تصدق ندهی. عرض کرد بیشتر بفرومائید ای پسر رسول خدا! حضرت فرمود که پیامبر يك مُشت خاك از زمین برداشت سپس انگشتان خود را باز کرد، بعد مُشتش را باز کرد خاك ها روی زمین ریخت چیزی در دست حضرت نماند. فرمودند این تذیر است، پس از آن مُشتی دیگر برداشت انگشتانش را باز کرد قسمتی از خاك ها ریخت، قدری هم باقی ماند. فرمودند: این تذیر است. بعد مُشت دیگر برداشت دستش را محکم بست به طوری که چیزی از آن خاك به زمین نریخت سپس فرمود: این تقطیر می باشد. (دیلمی، (ج ۲)، ۱۳۷۷: ۱۴۳) و (فیض کاشانی، (ج ۴)، ۱۴۱۵: ۲۴)

تفاوت اسراف و تبذیر

هرچند در معنای اسراف و تبذیر به اختلاف سخن گفته شده، ولی معنی مشترك میان آنها «خروج از حد اعتدال» است. در این باره می توان گفت: هر عملی، با توجه به ظرفیت فاعل و توانمندی وی و با عنایت به ماهیت خود عمل، در مقام تحقق، حدی معین دارد که تجاوز از آن «اسراف»، چنان که مصرف بیش از حد اعتدال یعنی ریخت و پاش در زندگی را «تبذیر» می نامند.

اسراف؛ بر خارج شدن از حد اعتدال دلالت دارد، بدون آن که مالی یا چیزی را ضایع کرده باشد. (حسینی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۲۰۸) اما تبذیر آن است که به گونه ای مصرف کنیم که موجب اتلاف و تضییع چیزی گردد. البته در برخی موارد دو واژه ای تبذیر و اسراف برای تأکید همدیگر آمده اند. حضرت امام علی (ع) می فرمایند: «دادن مال در راه که شایسته آن نیست تبذیر و اسراف است.» (امینی، (ج ۸)، ۱۴۲۰: ۳۴۷) در نتیجه می توان با یک مثال فرق بین اسراف و تبذیر را روشن کرد: هرگاه در يك مهمانی به جای تهیه دو- سه نوع غذا، ده نوع غذا آماده کنند و همه آن مصرف شود، به یقین «اسراف» است و اگر برای ده نفر مهمان غذای سی نفر آماده کنند و مقدار اضافی دور ریخته شود «تبذیر» نامیده می شود. و بالاخره تضییع مال به هر صورت که باشد چه دور ریختن یا مصرف بیش از حد اعتدال باشد. در آموزه های اسلامی اسراف و تبذیر است. (مطهری، (ج ۲)، ۱۳۸۰: ۲۴۵).

شایان ذکر است که بعضی، «تبذیر» را صفت کیفی می‌دانند و اسراف را صفت کمی؛ به عنوان مثال اگر خریدن اجناس بسیار مرغوب، با قیمت‌های زیاد، مورد نیاز نباشد، «تبذیر» است؛ ولی اسراف نیست؛ به عکس، خریدن چند چیز، بیش از حد نیاز، «اسراف» است و «تبذیر» نیست. ولی با تأمل در آنچه در تبیین معنای اسراف و تبذیر گذشت، مشخص می‌شود که این سخن، صحیح نیست. اسراف و تبذیر، هم می‌توانند صفت کیفی باشند و هم صفت کمی.

اسراف از منظر اسلام

خداوند قدیر، خالق و مالک حقیقی جهان هستی است، انسان تنها مخلوق مختار و مسئول خداست که خودش سرنوشت خویش را با اختیار و انتخاب می‌سازد و در برابر جسم، جان، طبیعت و هم نوعانش مسئول می‌باشد و نعمت‌های او را در (تولید، توزیع و مصرف) به میانه روی به منفعت و دیگران صرف می‌کند. امام علی(ع) در یک کلام کوتاه و نورانی اشاره به آثار میانه‌روی در امور می‌فرماید: «مَا عَالَ مَنْ اقْتَصَدَ»؛ «کسی که در هزینه‌کردن میانه‌روی کند هرگز فقیر نخواهد شد» (بحار، ج ۷۵، ص: ۲۰۴). واژه «عال» از ماده «عیل» (بر وزن عین) در اصل به معنای عیال مند شدن است؛ اما این کلمه هم چنین به معنای فقیر به کار رفته است. بعضی گفته‌اند اگر از ریشه «عول» باشد به معنای فزونی عیال است (مجمع البحرین، ج ۵، ص: ۴۳۲). و اگر از ریشه «عیل» باشد به معنای فقر است (لسان العرب، ج ۱۱، ص: ۴۸۸). و «اقتصاد» به معنای میانه‌روی در هر کار مخصوصاً در امور مالی است. (لسان العرب، ج ۳، ص: ۳۵۳).

این مفهوم امروز هم در امور خانواده و هم در مسائل وسیع جامعه ثابت شده است که اگر از اسراف و تبذیر جلوگیری شود و در هزینه کردن سرمایه‌ها صرف‌جویی و میانه‌روی گردد اکثر مشکلات از بین می‌رود؛ مشکل هنگامی برای فرد یا جامعه پدیدار می‌گردد که حساب دقیقی برای نیازها و هزینه‌ها در نظر نگیرد و یا بدون محاسبه آن چه را دارد هزینه کند که به یقین زمانی فرا می‌رسد که فرد یا جامعه در فقر فرو می‌روند. در منابع اسلامی نیز روایات فراوانی در این زمینه آورده شده است، از جمله در روایتی از رسول خدا (ص) می‌خوانیم: «الْإِقْتِصَادُ فِي النَّفَقَةِ نِصْفُ الْمَعِيشَةِ؛ میانه‌روی در مخارج زندگی نیمی از معیشت انسان را تأمین می‌کند». (کنز العمال، ج

۳، ص، ۴۹، ح ۵۴۳۴).

در سخنی از امیرمؤمنان (ع) در غررالحکم آمده است: «مَنْ صَحِبَ الْاِقْتِصَادَ دَامَتْ صُحْبَةُ الْغِنَى لَهُ وَجَبَرَ الْاِقْتِصَادُ فَقْرَهُ وَخَلَّلَهُ؛ کسی که هم نشینی میانه‌روی باشد غنا و بی‌نیازی پیوسته هم نشین او خواهد بود و اقتصاد فقر او را جبران و مشکلات او را برطرف می‌سازد». (غررالحکم، ج، ۱، ص، ۶۶۵، ح ۱۵۱۲) در کلام دیگری امام صادق (ع) فرمود: «ضَمِنْتُ لِمَنْ اِقْتَصَدَ اَنْ لَا يَفْتَقِرُ؛ من ضمانت می‌کنم کسی که میانه‌روی پیشه کند هیچ‌گاه فقیر نشود». (کافی، ج ۴، ص ۵۳، ح ۶).

و قانون در اسراف این است که از حد و اندازه تجاوز شود پس اگر یک آدم متوسط الحال ادای یک انسان غنی و پول‌دار را در بیاورد و یک لباس و یا یک ماشینی که در حد و توانش نیست با پول قرض خریداری کند اسراف بحساب می‌آید. و اگر خانمی اشیاء زینتی بخرد و یک مقدار مبلغ آن از توانش خارج باشد ولی آن مبلغ زیادی را از کسی دیگری بصورت قرض بگیرد اسراف کاری شمرده می‌شود. لذا برای جلوگیری از اسراف باید هرکسی به اندازه توان خودش مصرف کند. (ابن عثیمین، ج: ۲۴، ص: ۲) و در غیر این صورت اسراف کاری و تجاوز به حدود خدا و حقوق الناس است. (ایرانی، بی تا: ۳۶)

ب- کلیات

مبارزه با اسراف و تبذیر با رویکرد فقهی نیازمند معیار و ملاک صحیح است.

ملاک های حرمت اسراف و تبذیر

زیاده‌روی در مخارج و هزینه زندگی است، و اتلاف و مصرف اموال در راههای غیر شایسته. از نگاه دانشمندان از گناهان کبیره و حرام شمرده شده است که در این بخش به ملاک های آن پرداخته می‌شود.

۱. حکم شرعی

اسفاده به جا از نعمت‌های خداوندی از بزرگترین دغدغه‌های رهبران دین بوده است. بدین

جهت است که سیره مصرفی اهل بیت: دیده می‌شود که آنان «دوری از اسراف» و «قناعت در مصرف» از اصول مورد تاکید ایشان بوده است. در حالی که پیروان ایشان در برخی از کشوری های اسلامی امروزه گرفتار اسراف و تبذیر و مصرف گرایی شده اند. امروز به ضرس قاطع باید تاکید کرد راه پیشرفت کشورها همان گونه که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) فرمودند، پرهیز از اسراف و ترویج الگوی مصرف بومی و اسلامی است.

اگر معصیت بدون صرف مال باشد، اسراف است که تجاوز از دستورات دینی است و اگر مالی هم خرج شده باشد، علاوه بر معصیت، تبذیر و اسراف اقتصادی نیز هست؛ لذا بعضی لغت‌شناسان، مفسران و فقها آن را به «خوردن مال حرام» و یا به «تجاوز از حلال به حرام» معنی کرده‌اند. (الفاضل المقداد ج ۲، ۳۵۸)

۲. حکم عقل

در منطق عقل اسراف، کاری ناپسند است؛ بر این اساس هر آدم عاقلی اسراف گر را خطاکار می‌شمارد. و عمل وی را نکوهش می‌کند، چون اسراف خروج از حالت اعتدال است و بدون شک حالت میانه روی مورد ستایش عقل بوده و ضد آن (اسراف) را عقل نکوهش می‌نماید. هم چنین می‌توان گفت اسراف یکی از مصادیق ظلم و هر ظلمی خلاف عقل است، زیرا منابع حیاتی جهان محدود است و اسراف کاری سبب محرومیت دیگران می‌شود.

همین طور بدون شک عمل اسراف گر، مورد رضای خردمندان و عقلاء نبوده، بلکه پیوسته مورد اعتراض و انتقاد آن هاست، لذا صاحب نظرانی چون علامه نراقی^۴ درباره تحریم اسراف به مسئله «اجماع خردمندان» تمسک جسته‌اند. (نراقی، ج: ۱، ص: ۶۱۷). بر این اساس ممنوعیت اسراف در شریعت اسلام در واقع تأییدی بر حکم عقل و سیره عقلا است و می‌توان گفت اسراف به ادله اربعه حرام و ممنوع است، از این رو کثیری از فقهای فریقین سخن از حرمت آن به میان آورده‌اند که حکایت از اجماع و اتفاق فقها می‌کند. ابن ادریس حلی می‌گوید: «الاسراف فعله محرم بغیر خلاف». (سرائر، ۱۴۱۰ ق، ج: ۱، ص: ۴۴۰). و هم چنین به فرموده مرحوم طبرسی عقل به زشتی اتلاف مال حکم می‌کند و تجاوز از آن را نوعی سفاهت و جهالت می‌شمارد.

چنانچه در توضیح آیه شریفه «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا» می‌فرماید: هر انفاق و مصرف مالی که عقل آن را زشت شمرد و به صاحبش ضرر رساند، اسراف و حرام است. (طبرسی، (ج ۴)، ۱۳۹۲: ۶۳۸). (انصاری، ۱۳۷۹: ۵۴) لازم به یادآوری است مقصود از حکم عقل بر حرمت، درك عقل است.

۳. عرف جامعه

عرف جامعه میزان دیگری در تعیین «حد» اسراف است. از گفتار فقها استفاده می‌شود: کسانی که مال را تلف و ضایع کنند. (نراقی، ۱۴۱۷: ۶۳۲) اضافه از نیاز باشد. (الحرالعاملی (ج ۲۱)، ۱۴۰۸: ۵۵۵، ب ۲۶) صرف مال، زائد بر لیاقت فرد مصرف شده و عرفاً حرام است. (الحرالعاملی (ج ۵، ص ۲۲، ب ۹) یا مال را در جای مصرف کند که آن فعل غرض عقلایی نداشته باشد مثل نقاشی کردن مسجد بازهم حرام است. (مستند العروة الوثقی (ج ۲)، ص ۲۳۹)

مبارزه با اسراف در فقه

ترتیب پژوهش در دو بُعد مبارزه با اسراف گری در حوزه ی بین المللی و حوزه ی داخلی کشورها قابل بررسی است. ولی اصول و قانون کلی در مورد اسراف و تبذیر از سه حال بیرون نیست: چنان چه خداوند در باره صفت ممتاز «عباد الرحمن» که اعتدال و دوری از هر گونه سخت گیری و ولخرجی در کارها است می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» «آن ها کسانی هستند که به هنگام انفاق نه اسراف می‌کنند و نه سخت‌گیری، بلکه در میان این دو حد اعتدالی را رعایت می‌کنند» خداوند متعال اصل انفاق کردن را مسلم می‌گیرد و سخن را روی کیفیت انفاق می‌برد و می‌فرماید: بندگان خاص الهی انفاقی عادلانه و دور از هر گونه اسراف و سخت‌گیری دارند، نه آن چنان بذل و بخششی کنند که زن و فرزندشان گرسنه بمانند، و نه آن چنان سخت‌گیر باشند که دیگران از مواهب آن ها بهره نگیرند. در تفسیر "اسراف" و "اقتار" که نقطه مقابل یکدیگرند مفسران سخنان گوناگونی دارند که روح همه به يك امر بازمی‌گردد و آن این که "اسراف" آن است که بیش از حد و در غیر حق و بی جا مصرف گردد، و "اقتار" آن است که کمتر از حق و مقدار لازم بوده باشد. (ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص: ۱۵۳).

برای روشن شدن معنای اسراف و "اقتار" و حد اعتدال امام صادق □ تشبیه زیبایی کرده است و آن این که هنگامی که این آیه را تلاوت فرمود مشتی سنگ ریزه از زمین برداشت و محکم در دست گرفت، و فرمود این همان "اقتار" و سخت گیری است، سپس مشت دیگری برداشت و چنان دست خود را گشود که همه آن به روی زمین ریخت و فرمود این "اسراف" است، بار سوم مشت دیگری برداشت و کمی دست خود را گشود به گونه ای که مقداری فرو ریخت و مقداری در دستش بازماند، و فرمود این همان "قوام" است. (الکافی، ج ۴، ص: ۵۵)

«امام صادق (ع) می فرماید: «از خدا بترس، و نه زیاده روی کن و نه تنگ نظری، و میان این دو، حالتی «قوامی» (معتدل و کفافی) داشته باشید. (و بدان که) تَبَذِيرٌ (خرج های بیهوده و بر خلاف) نیز نوعی اسراف است، خداوند فرموده است: لَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا- به هیچ روی تبذیر مکن»؛ خدا کسی را که میانه رو است، عذاب نمی کند.» (حکیمی، (ج ۴)، ۱۳۸۰: ۳۱۱)

بخش اول: مبارزه با اسراف در حوزه ی فردی

۱. اعتقاد به خدا

هر انسانی که میانه اش با خداوند متعال قوی باشد، اسراف نمی کند؛ خداوند انسان های ریخت و پاش گر را برادران شیطان خوانده است. تمام قوانین اسلام مطابق با فطرت سلیم انسان ها بنا شده اند. ایمان به ذات اقدس خداوند عادل حس افزون طلبی و ثروت اندوزی را تعدیل می کند. دقیق ترین مأمور کنترل افراد از زیاده روی ایمان اشخاص است؛ زیرا افراد با ایمان همیشه خود را در محضر خدا می دانند. در مقابل؛ انسان های که خدا را فراموش کرده اند به راحتی مرتکب اسراف می شوند. خداوند می فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ؛ مانند کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند، خدا هم به این دلیل نفوس آن ها را برای خودشان فراموش کرد و از یادشان برد» (سوره حشر، ۱۹) همچنین ایمان و اعتقاد به معاد و قیامت، باعث می شود که انسان معتقد از اعتدال و میانه روی خارج نشود؛ زیرا یقیناً کیفر و پاداشی برای فاعل آن هست. بنابراین، اگر این مجموعه؛ یعنی ایمان به خدا، معاد و قیامت باوری در انسان تقویت شود قطعاً مسیر اعتدال را در پیش می گیرد و از اسراف و تبذیر پرهیز می کند.

اگر ایمان در اشخاص تقویت شود پویایی اقتصاد که اقتدار اسلام به او بستگی دارد، درست خواهد شد. (رفیعی محمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۷)

۲. شکر نعمت های خدا

یکی از چیزهای که آرامش را به انسان به ارمغان می آورد، شکر گذاری در برابر نعمت های خداوند و راضی به رضایت اوست. چنین انسانی هرگز از مرز اعتدال خارج نمی شود. بر همین اساس حضرت امام علی (ع) می فرماید: «إِنَّ أَهْنَ النَّاسِ عَيْشًا مَنْ كَانَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ رَاضِيًا؛ همانا گواراترین زندگی را آن کسی دارد که به آنچه خداوند برای او تقدیر کرده، راضی و خشنود باشد». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۹۳) ویژگی خشنودی به رضای حق، و شکر و سپاس، باعث نابودی انگیزه های اسراف. مانند: حرص و تجاوز از حد می شود و عطش انسان را نسبت به زندگی تجملاتی و زیاده روی، بر طرف می نماید. حضرت امام علی □ در جمله ی کوتاه ولی بسیار ارزش مند می فرماید: «اَرْضَ تَسْرَحْ؛ به خشنودی خدا خشنود باشد، در نتیجه با نشاط و راحت زندگی کن». (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۷۶) بنابراین، با پرورش این ارزش های والا، در وجود خود، خویش را ز هرگونه اسراف و زیاده روی بیمه می کند.

۳. پرهیزگاری

انسان های با تقوا خیلی رفتارهای دقیق و حساب شده دارند که مبدا به دام شیطان بیفتد و او را از مسیر حق منحرف کند. اسراف و تبذیر که در فقه اسلامی حرام دانسته شده اند. انسان مؤمن و با تقوا از اسراف و تبذیر پرهیز می کند. این نگرش باعث می شود که در گیرودارهای دنیا اشتباه نکند. رسول خدا (ص) می فرماید: «حَلُّوا أَنْفُسَكُمْ بِالْعَفَافِ، وَ تَجَنَّبُوا التَّبْذِيرَ وَ الْإِسْرَافَ؛ زیور کنید نفس - های خود را به پرهیزگاری و دوری گزینید از تبذیر و اسراف» (خوانساری، ج ۱)، (۱۳۶۶: ۴۱۹). انسان های با تقوا از انجام اسراف و تبذیر که خداوند حرام کرده است اجتناب می کنند. امام علی (ع) می فرماید: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَلْهَمَهُ الْإِقْتِصَادَ وَ حُسْنَ التَّدْبِيرِ وَ جَنَّبَهُ سُوءَ التَّدْبِيرِ وَ الْإِسْرَافَ؛ اگر خدای متعال بخواهد به فردی خیر و نیکی برساند، میانه روی و اقتصاد و تدبیر در کارها را به او ارزانی داشته و وی را از اسراف و بی - تدبیری باز می

دارد.» (طوسی، ۱۳۸۴: ۸۵)، میانه روی سبب خیر و برکت در زندگی می گردد. اعتدال و میانه روی باعث می شود انسان فقیر نشود. امام صادق (ع) می فرماید: «ضَمِنْتُ لِمَنْ اقْتَصَدَ أَنْ لَا يَفْتَقِرَ؛ برای کسی که راه اعتدال در هزینه ی زندگی را رعایت می کند، ضامن شدم که محتاج و فقیر نگردد.» (کلینی، (ج ۷)، ۱۴۰۷: ۳۴۰) هادی قطبی می گوید: رهبر انقلاب (امام خامنه ای) یک روز به من فرمودند که برای ایشان سماور تهیه کنم. به بازار تهران رفتم به زحمت یک سماور برقی با قیمت تعاونی پیدا کردم، خدمت ایشان گفتم با زحمت به قیمت تعاونی سماور پیدا کردم، ایشان فرمودند: «بروید یک سماور نفتی پیدا کنید. مصلحت نیست در این شرایط جنگ که برق جنبه ی حیاتی دارد، ما سماور برقی داشته باشیم.» (قطبی، ۱۳۸۹: ۱۱۸)

۴. مساعدت و همدردی با فقرا

از راه های مبارزه با اسراف مواسات است؛ یعنی همه ی امت اسلامی مانند یک بدن واحد و هر فردی عضوی از این پیکره است. بنابراین، باید رنج هر فرد، رنج همه و راحت هر عضو، راحتی همه ی اعضا محسوب شود. امام صادق (ع) می فرماید: «الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِذَا اشْتَكَى شَيْئاً مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ؛ مؤمن برادر مؤمن است. هر دو عضو یک بدنند. اگر عضوی ناراحت شود، رنج آن به دیگر اعضا سرایت می کند.» (کلینی، (ج ۳)، ۲۴۳) اگر عده ای به اسراف گری و تجملات ادامه دهند و برخی دیگر در تنگنای اقتصادی دست و پنجه نرم کنند موجب شکاف طبقاتی و هرج و مرج در جامعه به وجود می آید و باعث ضعف اقتصاد جامعه ی اسلامی می گردد.

۵. قناعت

قناعت؛ یعنی مبارزه با اسراف گری. امام خامنه ای می فرمایند: «ما به فقیر باید عزت نفس و حس مناعت بدهیم و به غنی باید کمک به فقیر را بیاموزیم. به هر حال در کار زندگی جامعه، باید از زندگی اشرافی و تجملاتی الگوسازی نکنیم» (قدوسی زاده، ۱۳۹۲: ۱۴۵) اگر قناعت باشد فساد خود به خود در جامعه کم می شود.

کیفر اسراف کاران

اسراف از دیدگاه عرف و عقل ناپسند و در قضاوت وجدان نیز ناشایسته محسوب می شود. اسراف از منظر فقها حرام است، به دلایل محرز (آیات، روایات، اجماع (حلی، (ج ۱)، ۱۳۹۰: ۴۴۰)، عقل). خداوند به مسرفین وعده ی هلاکت و عذاب جهنم داده است: «أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ؛ براستی که اسراف کنندگان اهل عذاب و آتش جهنم اند» (سوره غافر، ۴۳). حضرت امام خمینی (ره) اسراف و تبذیر را در رساله ی عملیه خود جزء گناهان کبیره شمرده اند. (خمینی، کتاب الصلوة شرایط امام جماعت). محقق نراقی حرمت اسراف را قطعی، اجماعی و ضروری اسلام دانسته است. (نراقی، ۱۴۱۷: ۲۲۲).

اسراف زمینه ی اقتصادی گناه

مبارزه با اسراف زمینه ی رشد اقتصادی و بی نیازی جامعه و فرد را فراهم می نماید. در موازات آن اسراف گرایی زمینه ساز گناه می شود. زمینه های اقتصادی گناه دو گونه است: گاهی فقر آدم را به گناه می کشاند. پول ندارد که زن بگیرد به گناه می افتد. بعضی ها هم به خاطر پول زیاد به گناه می افتند. هر زنی را که می بیند، چشمش دنبال او می دود. ازدواج های متعدد و عیاش خانه راه می اندازد. یکی از گرسنگی داد می زند و فحش می دهد، یکی از بس خورده است، داد می زند. هر دو از مسائل اقتصادی است که زمینه ی گناه می شود. قرآن می فرماید: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغِيَ» (علق ۶) چنین نیست که انسان حق شناس باشد مسلماً طغیان می کند. انسان طاغی می شود «أَنْ رَأَهُ اسْتَغْنَى» (علق ۷) به خاطر این که خود را بی نیاز می بیند! آیا سرمایه داری عامل فساد است؟ اگر بگویند سرمایه از من است و در مصرف آزادم، عامل فساد است اگر گفت «مِنْ مَالِ اللَّهِ» (نور/۳۳) یعنی مال از خداست و «جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ» (حدید/۷) شما جانشین خدا هستید، در مصرف آزاد نیستید. باید مصرف به اسراف و تبذیر کشیده نشود. پس سرمایه به دست انسان که خود را آزاد در مصرف میداند سبب فساد است. چاقو آدم کشی نمی آورد. چاقو دست آدم مست، دست آدم بی دین آدم کشی می کند. اگر دست آدم مؤمن باشد وسیله ای خوبی است. وسایل به خودی خود عامل نیستند، زمینه هست ولی دلیل نیست.

خلاصه این که در دو صورت سرمایه عامل فساد می شود: اول؛ زاویه ای دید انسان این باشد که سرمایه از من است. دوم؛ معتقد باشد که در تحصیل و مصرف سرمایه- هرگونه بخواهد- آزاد است. ولی در قرآن و روایات اسلامی می گویند: سرمایه مال خداست و تحصیل و مصرف آن حادی دارد (ر.ک: قرائتی، درس هایی از قرآن، شنبه، ۴، تیر، ۱۳۶۲). حضرت سلیمان پیغمبر (ص) سرمایه را از آن خدا می دانست و آن را وسیله ی وصول به رضوان خدا قرار داد: «هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي ءَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ؟» این از فضل پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را بجا میآورم یا کفران می کنم؟!»

بخش دوم: برخورد با اسراف کاران در حوزه داخلی

این مهم در دو محور اجتماعی و فردی قابل بحث و بررسی قرار می گیرد.

مبارزه اجتماعی با اسراف و تبذیر

زیاده روی و اسراف و راه های مقابله با آن در اجتماع از ضروریات آموزه های دینی است

که در این قسمت مورد بررسی قرار می گیرد

۱. مبارزه مسئولین کشور اسلامی با اسراف

اسلام، ریخت و پاش در اموال عمومی را جایز نمی داند. دولت مردان کشورها باید کاری نکنند که بلای اسراف، گریبان اجتماع را بگیرد و باعث فروپاشی نظام حکومت گردد. ازاین رو، سرپرستان بیت المال باید آن را در راه ارشاد جامعه، پیشرفت اقتصادی، آبادی و عمران سرزمین های اسلامی و رفاه عمومی به کارگیرند. رهبران الهی درانجام این مسئولیت بزرگ، بسیار کوشا و دقیق بودند. بطور نمونه، امیرمؤمنان (ع) به کارگزاران خود می نویسد: «أَدْرِقُوا أَقْلَامَكُمْ، وَ قَارِبُوا أَيْنَ سَطُورِكُمْ وَ حَذِفُوا عَنِّي فُضُولَكُمْ، وَ اقْصِدُوا قَصْدَ الْمَعَانِي، وَ إِيَّاكُمْ وَ الْإِكْثَارَ، فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْأَضْرَارَ» (بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۱۰۵) قلم های خود را تیز کنید، و نزدیک به هم بنویسید مطالب غیر ضروری را حذف کنید، به معنا پردازید و از لفاظی پرهیزید، زیرا اموال مسلمانان نباید ضرر ببیند و حیف و میل گردد. این بر نامه حکومت علوی است که باید در تمام مملکت اسلامی، الگوی همه دست اندرکاران امور مالی و تدارکاتی قرار گیرد تا خواه و

ناخواه به اسراف در بیت المال دامن نزنند تا چه رسد به اختلاس.

رهبر معظم انقلاب می فرمایند: به نظر من باید مسئولان کشور، راه مقابله با اسراف را به مردم یاد بدهند، خود مسئولان دولتی هم باید اسراف نکنند، اسراف مسئولان دولتی، از اسراف مردم عادی مضرت‌تر است، زیرا که این اسراف در بیت المال است. (پیام نوروزی سال ۱۳۷۶). به ملت ایران عرض کردم که صرفه جویی را شعار خودتان قرار بدهید. اسراف و زیاده روی نکنید، اسراف در جامعه، لازمه اشرافیگری و تقسیم نابرابر ثروت و مایه تضييع اموال عمومی و نعمت الهی است. (مشهد مقدس، ۱/۱/۱۳۷۶) امام خمینی (ره) در پاسخ این سوال که (زیاده روی در مصرف آب و برق، به خصوص در زمینه ای که موجب کمبودهایی در سطح عمومی شود - گرچه بهای آن را پرداخت نمایند - از نظر شرعی چه حکمی دارد؟) می نویسد: «زیاده روی در مصرف آب و برق بر خلاف قانون دولت و حرام است و موجب ضمان نیز می گردد». (محمّدی اشتهااردی، ۱۳۷۹: ۷۳) در نهایت این توصیه ها راه کاری ساده و روشن برای ترقی و سلامت اقتصادی است.

۲. مقابله با بی کاری و اتلاف عمر

هرگاه شخصی توجّه پیامبر اکرم (ص) را جلب می نمود، رسول خدا (ص) از شغل اوسؤال می کرد. اگر می گفتند بی کار است، می فرمود: این شخص از چشم من افتاد! (بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۹). روایات در مذمت بیکاری در کتاب (میزان الحکمة، باب ۳۱۹۸). بدین جهت، انسان نباید خود را بی کار بگذارد، که بی کاری منشأ مفاسد و مشکلات بی شمار است. بسیاری از جنایات ها معلول بی کاری است. لذا بر دولت واجب است در حدّ امکانات خود برای جوانان تولید کار نموده، و بر جوانان نیز لازم است با جدّیت به دنبال کار باشند؛ به هر کار حلالی تن دهند، و تنها به دنبال کارهای راحت نباشند. (سوگندهای پر بار قرآن، ص: ۴۸۸)

از وظایف مهم دولت ها ایجاد اشتغال است؛ زیرا بیکاری در جامعه مولّد فساد است. اگر مدیران سیاسی شغل برای جوانان ایجاد نکنند نخستین آسیبی اجتماعی آن این است که عمر افراد جامعه به هدر می رود و اسراف در عمر انسان ها که - سرمایه ی گران مایه است - جامعه را به

تباهی می کشاند. بی بندباری، سرقت، کاهش ازدواج، کم رنگ شدن ارزش های دینی در جامعه در نبود شغل است. (سروش، ۱۳۸۶: ۵۶) مصداق زنده و روشن آن حال و روز جوانان کشورهای فقیر و جنگ زده است. که فقر و بی کاری از زمین و آسمان به آن ملت ها و کشور ها می بارد. جوانان برای نجات از فقر و گرسنگی سرازیر مرزهای اسلامی، و غیر اسلامی می شوند، در این مسیر نه تنها عمر آن ها بیهوده تلف می شوند، بلکه برخی در مسیر راه هلاک و یا در نهایت به یک سرنوشت نا معلوم گرفتار می شوند که نه راه برای پیشرفت دارند و نه مسیر بازگشت. از این رو در واقع فرمان روایان دولتی مسؤول هستند که زمینه ی کار و رفاه اجتماعی و بستر رشد و شکوفایی مردم خصوصا جوانان که زیربنای آن اقتصاد است فراهم کنند.

۳. مدیریت و الگوی صحیح مصرف

عثمان بن حنیف انصاری یکی از اصحاب پیامبر گرامی اسلام و شیعه حضرت امام علی (ع) و یکی از افراد مورد وثوق آن حضرت در اداره حکومت بود و از این رو حضرت امیر (ع) او را به عنوان استاندار بصره انتخاب کرده بود. همین شخصیت در زمانی که استاندار بصره بود، به حضرت گزارش رسید، وی دعوت مهمانی یکی از سرمایه داران آن شهر را پذیرفته و سر سفره او حاضر شده است. حضرت امام علی (ع) از این عمل او برافروخته می شود و نامه ای تند و طولانی (۴۵ نهج البلاغه) به او می نویسد و او را مورد سرزنش و ملامت قرار می دهد. این نامه امروز می تواند برای همه مسئولین کشورهای که داعیه پیروی از آن امام همام را دارند مایه عبرت و درس باشد. مخاطب این نامه امروز در واقع همه مسئولین و کارگزاران نظام کشور های اسلامی است. با هم بخش هایی از این نامه مهم و پندآموز را می خوانیم: ای پسر حنیف، به من گزارش دادند، مردی از سرمایه داران بصره، تو را به مهمانی خویش فراخواند و تو به سرعت به سوی آن شتافتی، خوردنی های رنگارنگ برای تو آوردند و کاسه های پر از غذا پی در پی جلوی تو نهادند، گمان نمی کردم مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندان شان بواسطه ستم محروم شده و ثروتمندان شان بر سر سفره دعوت شدند. اندیشه کن در کجایی و بر سر کدام سفره میخوری؟! آگاه باش! امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرص نان رضایت داده

است. من اگر می خواستم، می توانستم از عسل پاک و از مغز گندم و بافته های ابریشم برای خود غذا و لباس فراهم آورم، اما هیئات که هوای نفس بر من چیره گردد.

مدیران دولتی نقش بسیار شایسته در جهت مبارزه با اسراف اجتماعی دارند، البته مدیران در قدم اول خودشان باید الگوی مصرفی برای دیگران باشند. حجت الاسلام قرائتی حفظه الله می گوید: «برای عقد دخترم به منزل شخصی ایشان (مقام معظم رهبری مدظله العالی) رفتم، قالی خانه ی آقا نخ نما شده بود. در زمان ریاست جمهوری ایشان، به هنگام اقتدا به ایشان در نماز، او یک لامپ اضافی اتاق را خاموش کرد و تنها یک لامپ را روشن گذاشت» (مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۸: ۱۲۳) داشتن مدیریت مدبرانه و عاقلانه، یکی از ضروریات اولیه مبارزه با فساد و اسراف به حساب می آید. سخنرانی، برگزاری چند همایش، چاپ مقاله و کارهایی از این قبیل خوب است ولی کافی و کاربردی نیست که مشکلات اقتصادی را حل کنند، بلکه مبارزه با اسراف و پویایی اقتصاد و سیاست صحیح و در سطح کلان جهت هدایت مردم و تدوین و عملیاتی کردن برنامه های استراتژی راهبری داشته باشند. یکی از ویژگی های، حضرت امام خمینی (ره) است: «دکتر محمود بروجردي: در منزل امام يك چراغ اضافه پيدا نمي كرديد كه روشن باشد. بعضي مواقع، خود امام حتي مشغول ملاقات با شخصيت ها و افراد بودند كه ناگهان متوجه مي شدند كه چراغي بي جهت روشن است. بدون آن كه به ديگران امر كنند، خودشان بلند مي شدند و مي رفتند آن را خاموش مي كردند يا اين كه هنگام وضو گرفتن يك قطره آب اضافي مصرف نمي كردند. حتي بين مسح سر و شست وشوي دست راست و چپ شير آب را مي بستند» (پاسدار اسلام، ش ۲۵، دي ماه ۱۳۶۲، ص ۵۷ - پرتوي از خورشيد، ص ۱۲۷).

۴. الگوی مصرف در آموزش و پرورش

رهبر معظم انقلاب سال ۱۳۸۸ شمسی را سال حرکت مردم و مسوولان به سوي اصلاح الگوي مصرف ناميد و تاکيد داشتند مساله صرفه جويي و پرهيز از اسراف هم اقتصادي است هم اجتماعي و هم فرهنگي است. از آن رو كه فرهنگ سازي در اصلاح الگوي مصرف، امري

ضروري است، برخي کارشناسان براین باورند که در الگوي مصرف ابتدا باید زیرساخت‌ها را درست کنیم، به آموزش‌هاي لازم و تبلیغات صحیح پردازیم. از آن جا که وزارت آموزش و پرورش نقش مهمی در نهادینه کردن اصلاح الگوي مصرف دارد، اجرای درست این شعار در این وزارت خانه منجر به بهینه‌سازي و بهینه‌گرایی در سطوح مختلف جامعه برای اقشار گوناگون می‌شود. این سازمان دولتي مکان مناسبی برای تربیت نسل نواندیش و آشنا کردن آن‌ها با الگوي مصرف است، اصلاح الگوي مصرف در گام اول نیازمند اصلاح رفتار است و اصلاح رفتار نیز محتاج تغییر وسیع برنامه‌ها و استراتژی‌هاست.

این وزارت خانه باید نسلي را پرورش دهد که محدودیت‌هاي موجود زمان خویش را بشناسد تا بتوانند این فرهنگ را نهادینه کنند. ازدید عقلانی اگر فردی از اوایل دوران تحصیل، به درستی آموزش داده شود، نسل آینده نیز پیشرفت‌های خوبی خواهند داشت و به دنبال آن، نسل‌های بعد نیز همین گونه خواهد شد. لذا یکی از ارکان مهم در اصلاح الگوی مصرف، همین مدارس هستند. معلمان به عنوان موثرترین افراد همراه والدین، می‌توانند نقش خوبی در ایجاد نگرش درست مصرف‌دانش‌آموزان داشته باشند. (چهارشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۸۸ جعفرزاده ۲۴) از وظایف مهم دولت رشد و سلامت اقتصاد است. مدیران اگر از این مرحله به سلامت عبور کنند، یقیناً در امور دیگر نیز موفق خواهند بود. بنابراین، یکی از راه‌های تقویت اقتصاد، تربیت صحیح و درست دانش‌آموزان در آموزش و پرورش هستند که با برنامه‌های کاربردی، اقتصاد را برجسته کنند. گنجاندن الگوی مناسب مصرف در نظام آموزشی کشور به گونه‌ای که هرچه سطح آموزش بالاتر برود، اطلاع و شناخت بهتر در خصوص درک و ضرورت اصلاح الگوی مصرف در جامعه حاصل می‌شود. (کلاتری، ۱۳۸۸: ۳۱۷)

۵. جذب کارگزاران متدین

از بهترین طرق ریشه کردن اسراف و تبذیر استقرار افراد صالح و متدین در کابینه‌ی دولت اسلامی است. انسان‌ها به طور طبیعی موجوداتی مدنی هستند. پس برای نظم و انضباط در زندگی اجتماعی خویش، ناگزیر به تشکیل حکومت اند. از این رو، باید اموری مورد توجه قرار

گیرند: برای اداره بهتر جامعه، باید تقسیم کار انجام پذیرد هر یک از کارگزاران باید صلاحیت لازم را برای اداره جامعه داشته باشد. از این رو، اولین اقدام حکومتی امام علی □ پس از بیعت مردم، جابه جایی و عزل و نصب وسیع مدیران اجرایی نظام پیشین بود. معیار های امام □ برای انتخاب کارگزاران در رده های گوناگون، برگرفته از متن دین و مورد رضای خدا و پیامبر اکرم □ بود. امام علی(ع) درباره ملاک های کلی گزینش مدیران حکومت صفاتی را برمی-شمارد:

۱. ایمان و تقوا: در انتخاب افراد باید تقوا و ایمان آنان ملاک قرار گیرد امام علی □ شیوه برخورد و اصول مدیریت را در نامه خود به مالک اشتر، از تقوا و خداگرایی آغاز می کند و او را به ترس از خدا فرمان می دهد و اینکه اطاعت خدا را بر دیگر کارها مقدم.

۲. آزمایش لیاقت ها: یعنی افراد باید بر اساس تعهد و نوع تخصص و توان اجرایی، انتخاب و به کار مورد علاقه گمارده شوند از این رو، حضرت به مالک اشتر می فرماید: «سپس در امور کارمندان بیندیش و پس از آزمایش، به کارشان بگمار، و با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران، آنان را به کارهای گوناگون وادار نکن؛ زیرا این نوعی ستمگری و خیانت است.

۳. صلاحیت اخلاقی از آن روکه اخلاق هر انسانی در اجتماع، معرّف اوست. بر حسب نوع مسئولیتی که به افراد سپرده می شود، صفت اخلاقی مربوط به آن نیز باید مد نظر باشد؛ مثلاً، اگر به کسی مسئولیتی داده می شود که بیشتر با مردم سرو کار دارد، باید حسن خلق و مردم داری و اگر عهده دار بیت المال است باید در صداقت و امانت داری مشهور باشد. امام علی □ در عهدنامه مالک اشتر، می فرماید: «کارگزاران دولتی را از میان مردمی انتخاب کن که... اخلاق آنان گرامی تر، و آبرویشان محفوظ تر، و طمعورزی شان کمتر است».

۴. اصالت خانوادگی؛ مولا متقیان حضرت امام علی(ع) به مالک اشتر می فرماید: «کارگزاران دولتی را از میان مردمی انتخاب کن که... با حیا و از خاندان های پاکیزه و با تقوا باشند.»

۵. حسن شهرت حضرت امام علی(ع) حسن شهرت و سوابق خوب افراد را (در عهدنامه مالک اشتر)، یکی از ملاک های گزینش معرفی می کند: «کارگزاران دولتی را از میان مردمی با تجربه... که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند... و آینده نگری آنان بیشتراست، انتخاب کن.»

(پیام امیرالمومنین ج، ۱۰، ص، ۳۶۴. نامه ۵۳)

در نهایت چنین کارگزاران می توانند سیاست پیش گیرانه داشته باشند که زمینه ای گناه و اسراف، بروز و ظهور نکند؛ تا زیربنای استقلال و عزت یک کشور که بستگی به اقتصاد دارد محفوظ بماند.

۶. پرهیز از رابطه با اسراف کاران

نیک می دانیم اسراف تجاوز از حد قانون آفرینش و قانون تشریع است، این نیز روشن است که در یک نظام صحیح هر گونه تجاوز از حد سبب فساد و از هم پاشیدگی می شود، و به عبارت دیگر سرچشمه فساد، اسراف است و نتیجه اسراف فساد. به گفته «علامه طباطبائی □» در «المیزان» عالم وجود یک پارچه نظم و صلاح است و این نظام به سوی اهداف صالحی در جریان است، و هر یک از اجزای آن، خط سیری معین دارد، حال اگر یکی از این اجزاء از مدار خود خارج شود، میان آن و دیگر اجزای این جهان درگیری ایجاد می شود، اگر توانستند این جزء نامنظم اسرافکار را به مدار اصلیش بازگردانند چه بهتر، و الا نابودش می کنند، تا نظام به خط سیر خود ادامه دهد!

بشر نیز جزئی از این عالم هستی است و از این قانون عمومی مستثنی نیست، اگر بر اساس فطرت، بر مدار خود حرکت کند و با نظام هستی هماهنگ باشد به هدف سعادتبخش می رسد، اما اگر از حد خود تجاوز کند منجر به فساد می شود از این رو باید برای جلوگیری از فساد باید از اسراف کاران دوری و با آنان مبارزه کرد چنان چه خداوند از زبان حضرت صالح می فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا» (۱۵۰/شعراء) «از مخالفت فرمان خدا پرهیزید و مرا اطاعت کنید» «وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ» (۱۵۱/شعراء) و اطاعت فرمان مسرفان نکنید. «الَّذِينَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ» (۱۵۲/شعراء) همانها که در زمین فساد می کنند و اصلاح نمی کنند. این هشدار قرآن است که هم-نشینی با آن ها موجب انحراف از مسیر حق می گردد. پیغمبر اکرم □ فرمود: «ثَلَاثَةٌ مُجَالَسَتُهُمْ تُمِيتُ الْقَلْبَ الْجُلُوسُ مَعَ الْأَنْدَالِ وَالْحَدِيثُ مَعَ النِّسَاءِ وَالْجُلُوسُ مَعَ الْأَغْنِيَاءِ» (الکافی، ج، ۲، ص ۶۴۱). همنشینی سه گروه قلب را می میراند: همنشینی با افراد دون

مایه و مکالمه با زنان و مجالست با اغنیاء. بنابراین، اسراف کاران تعادل ندارند همیشه یا در افراط و یا در تفریط هستند، به همین جهت از برقراری ارتباط با آن ها نهی شده است. ارتباط، دوستی با افراد معتدل، قانع و پیوند ازدواج با این طیف خانواده ها، بنا به سفارش قرآن و روایات راه معتدل و مقبول است، البته صرف داشتن ثروت، اگر از راه حلال باشد و به عنوان وسیله و ابزار برای رسیدن به کمال باشد، منافاتی با روحیه ی اعتدال و پرهیز از اسراف ندارد. به دین جهت امیر مومنان (ع) در مورد حضرت سلیمان که از تمکن مالی بالایی برخوردار بود می فرماید: «وَ كَانَ سُلَيْمَانُ إِذَا أَصْبَحَ تَصَفَّحَ وَجْهَهُ الْأَغْنِيَاءَ وَ الْأَشْرَافَ حَتَّى يَجِيءَ إِلَى الْمَسَاكِينِ وَ يَقْعُدُ مَعَهُمْ وَ يَقُولُ مَسْكِينٌ مَعَ الْمَسَاكِينِ؛ سلیمان پیامبر (ص) هرگاه صبح می نمود، از بر خورد با ثروتمندان و اشراف روی گردان بود تا در ماندگان و مساکین بیایند و با آن ها مجالست نماید و می فرمود: من مسکینی با مساکین هستم» (بحار الأنوار ج ۱۴ ص ۸۳)

۷. ساده زیستی

در حقیقت ساده زیستی اصل تغییرناپذیری است، اما نمی توان قالب مشخصی برای آن در نظر گرفت. اما شکل و شیوه آن در زمان های مختلف، متفاوت است. برای نمونه ساده زیستی در خصوص مرکب و وسیله نقلیه، امروزه با روزگاران قدیم تفاوت چشمگیری دارد. اگر در زمان های گذشته سوار شدن بر حیواناتی چون الاغ معیاری برای ساده زیستن بود، شرایط و شیوه زندگی امروزی هرگز اجازه این کار را به ما نمی دهد. همین طور اگر زمانی زندگی در خانه های گلی از نمودهای سادگی بود، اما امروزه قوانین شهرسازی هرگز اجازه چنین بناهایی را به ما نمی دهد و باید ساختمان از حیث محکم کاری مبتنی بر اصول ساختمان سازی باشد. سادگی در ساختمان سازی را نمی توان با حذف پی و اسکلت های محکم دنبال کرد، بلکه باید از تجملات اضافی کاست. با این نگرش، علیرغم تفاوت هایی که در نحوه پوشش حضرت امیر مومنان و امام صادق □ مشهود بود، هر دو به اصول ساده زیستن پایبند بودند. با این تفاوت که شرایط زمانه هر یک متفاوت بوده است. به این دلیل است که لباس مناسب و ساده هر کسی لباس مرسوم زمان اوست. دیگر زمینه های ساده زیستی نیز به نسبت شرایط زمان و ملاحظات دیگر دانسته و شناخته

می‌گردد.

به یک نمونه از ساده زستی مولای متقیان حضرت امام علی (ع) اشاره می‌کنیم: این داستان معروفی است که امیر المؤمنین (ع) به بازار آمد و دو جامه خرید؛ یکی را به پنج درهم و دیگری را به سه درهم. جامه پنج درهمی را به غلامش، قنبر داد و سه درهمی را خود برداشت. قنبر به حضرت فرمود: آقا شما خلیفه هستید و پیراهن گران‌تر برازنده شماست. حضرت پاسخ داد: باشد، اما تو جوانی و لباس زیبا بر قامت جوان زیباتر است. (الغارات؛ ۱۳۹۵، ج: ۱، ص: ۱۰۶). سیره آقا امیر مؤمنان و دیگر ائمه: سرشار است از نمونه‌های والایی از ساده زیستی و پرهیز از تکلف و دنیاطلبی. حضرت امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أَمِّهِ الْعَدْلَ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفِهِ النَّاسِ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹). خدا بر پیشوایان عادل واجب گردانیده که خود را با مردم ضعیف و تنگدست برابر دارند. به عبارت دیگر، خداوند حکیم پیشوایان عدالت‌پیشه را به رعایت حداقل‌ها امر فرموده است و معیار آن، مردم ناتوان و تنگ‌دست جامعه‌اند. به این ترتیب، اصل ساده زیستی یکی از اصول اساسی در زندگی معصومان □ به شمار می‌آید.

آیت الله شیخ عبدالکریم حائری (ره) مؤسس حوزه علمیه قم، از ویژگی ایشان این بوده که کاغذ و پاکت نامه‌ها و یا کاغذ تلگراف‌هایی که برایش می‌آمد، آن‌ها را نگه می‌داشت و درس خارج فقه و اصول خود را روی آن‌ها می‌نوشت. (محمّدی اشتهاردی، ۱۳۷۹: ۱۸۰)

۸. تربیت خانواده گی

از عوامل مهم مبارزه با فساد و اسراف، تربیت کانون گرم خانواده است. زیربنای شخصیت کودک تربیت خانواده است، در آیه مورد بحث به همه مؤمنان دستوراتی در باره تعلیم و تربیت همسر و فرزندان و خانواده می‌دهد، نخست می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها هستند نگاه دارید» (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ) (تحریم/ ۶) نگهداری خود انسان عدم تسلیم در برابر معاصی و

شهوات سرکش است، و نگهداری اهل و عیال به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هر گونه آلودگی، در فضای خانه و خانواده است. این برنامه از نخستین سنگ بنای خانواده، یعنی از مقدمات ازدواج، و سپس نخستین لحظه تولد فرزند آغاز گردد، و در تمام مراحل با برنامه‌ریزی صحیح و با نهایت دقت تعقیب شود. به تعبیر دیگر حق زن و فرزند تنها با تامین هزینه زندگی و مسکن و تغذیه آنها حاصل نمی‌شود، مهمتر از آن تغذیه روح و جان آنها و به کار گرفتن اصول تعلیم و تربیت صحیح است. قابل ذکر است که تعبیر به «قُوا» (نگاهدارید) اشاره به این است که اگر آن‌ها را به حال خود رها کنید خواه ناخواه به سوی آتش دوزخ پیش می‌روند شما هستید که باید آن‌ها را از سقوط در آتش دوزخ حفظ کنید. (تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص: ۲۸۷).

۹. مسئولیت حفظ خانواده از آتش جهنم

امام صادق (ع) فرمود: وقتی آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم/۶) نازل شد، مردی از مؤمنین نشست و شروع کرد به گریه کردن، و اینکه من از نگهداری خودم عاجز بودم، اینک مأمور نگهداری از زن و فرزند خود نیز شده‌ام. رسول خدا (ص) به او فرمود: در نگهداری خانوادات همین بس است که به ایشان امر کنی آنچه را که به خودت امر می‌کنی، و ایشان را نهی کنی از آنچه که خودت را نهی می‌کنی. (کافی، ج ۵، ص ۶۲، ح ۱ و ۲). در کافی از سماعه از ابی بصیر روایت کرده که ذیل آیه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» گفته: از امام پرسیدم چگونه زن و فرزند را از آتش دوزخ حفظ کنم؟ فرمود: آن‌ها را امر کن بدانچه که خدا امر کرده، و نهی کن از آنچه خدا نهی کرده، اگر اطاعتت کردند که تو ایشان را حفظ کرده‌ای، و به وظایف عمل نموده‌ای، و اگر نافرمانیت کردند خودشان گنهکارند، تو آن‌چه را بر عهده داشته‌ای ادا کرده‌ای. (الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۴۴).

رسول خدا (ص) آیه شریفه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» شش بار تلاوت کرد، و سپس در پاسخ کسانی که پرسیدند چگونه اهل خود را از آتش حفظ کنیم؟ فرمود: بدانچه خدا دوست می‌دارد امرشان کنید، و از آنچه خدا کراهت دارد نهی کنید (الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۴۴). (ر. ک:

المیزان، ج ۱۹، ص: ۳۴۱). تربیت خانوادگی آسان تر و سریع تر در شخصیت کودکان نفوذ می کند. برخی کودکان را تشبیه به دوربین فیلم برداری نموده اند با این تفاوت، کسی که از مجالس و مراسم فیلم می گیرد، با اطلاع قبلی و در زمان معین است. اما کودکان کسانی هستند که هر لحظه رفتار والدین شان را زیر نظر دارند و عمل کرد آن ها را به عنوان الگو در حافظه ای بی پایان شان عمیقاً می سپارند. اما آثار و پیامد های عملی آن در رفتار کودکان در گذر زمان بروز و ظهور می کند. بنابراین؛ والدین نخستین مربیانی هستند که قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و کسانتان و اهل خانواده خویش را از آتش حفظ کنید.» (تحریم/۶) آبادانی خانه به ساختمان های مجلل، ماشین و امکانات نیست، بلکه به تربیت صحیح، تقوا و اخلاق مطابق با موازین شرعی است. والدین وظیفه دارند که با رفتار صحیح شان الگوی مناسب در مصرف باشند. مانند: کنترل میزان مخارج، جلوگیری از ولخرجی و رعایت میانه روی در مسافرت، میهمانی، مراسم شادی و عزا، از وظایف بی بدیل والدین است. امام صادق (ع) می فرماید: «هر خانواده ای که از نعمت مدارا بهره مند شود، در حقیقت خداوند گشایشی در روزی آنان داده است، مدارا نمودن در مخارج زندگی از ثروتمند بودن کارگشایتر است، مدارا موجب درماندگی نشود ولی تبذیر و ولخرجی چیزی باقی نمی گذارد، خداوندی که اهل مدارا است، مدارا را دوست دارد.» (طبرسی، ۱۳۷۹: ۳۶۹)

البته واقعیت های عینی و ملموس وجود دارد که برخی خانواده های ولخرج، اسراف گرو غیر متعادل هستند که متأسفانه هیچ نظارت و کنترل ندارند، اینها انگل های هستند که جامعه را بیمار می کنند و اقتصاد کشور را به نابودی تهدید می کنند. در موازات آن کسانی که رفتار و عمل-کردشان میانه روی است، باعث عزت و سلامت جامعه هستند. امام علی (ع) می فرماید: «سِيرَتُهُ الْقَصْدُ وَ سُنَّتُهُ الرُّشْدُ؛ سیره و راه و رسم پیامبر میانه روی و سنت او رشد بود.» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۲۶۹) مسئولیت تربیت صحیح به عهده ای والدین است که با رفتارشان هم آینده ی فرزندان شان و جامعه را بهبود می بخشند. این مرحله را با کلام امام سجاد □ به پایان می بریم که می فرماید: «حقوق فرزند بر تو این است که بدانی وجود او از تو

است و نیک و بد های او در این دنیا وابسته به تو می باشد و تو در برابر او مسئول و موظفی که با آداب و اخلاق پسندیده، او را پرورش دهی.» (حرانی، ۱۳۶۳: ۲۶۹)

۱۰. تکلیف ما در برابر ثروت آیندگان

اسراف و تبذیر ثروت، آینده را نابود می کنند، وظیفه ماست که از ثروت آیندگان صیانت کنیم. حضرت امام علی ۷ در نامه ی به «زیاد» می نویسد: «فَدَعَ الْإِسْرَافَ مُقْتَصِدًا وَ اذْكُرْ فِي الْيَوْمِ غَدًا وَ أَمْسِكَ مِنَ الْمَالِ بِقَدْرِ ضَرُورَتِكَ وَ قَدِّمِ الْفَضْلَ لِيَوْمِ حَاجَتِكَ؛ اسراف را رها کن و میانه روی در پیش گیر و امروز به یاد فردا باش و از مال به اندازه ضرورت نگه دار و اضافی آن را برای روز نیازمندی (قیامت) پیش فرست. (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ج: ۱ ص: ۳۵۹). (خوانساری، (ج ۴)، ۱۳۶۶: ۴۳۶) در مقابل میانه روی ضامن سلامت اقتصاد است. امام علی (ع) «وَالسَّرْفُ مَثْوَاةٌ وَ الْقَصْدُ مَثْرَاةٌ»؛ اسراف موجب هلاکت و میانه روی مایه افزونی ثروت است» (صدوق، (ج ۶۶)، ۱۴۰۳: ۳۶۹)

۱۱. امر به معروف و نهی از منکر

افراد جامعه در برابر یکدیگر هم حق و هم تکلیف دارند. احکام اسلامی افراد را به میانه روی و اعتدال سفارش می کنند، این یک سیاست همگانی و پیش گیرانه از جرم است. در جامعه همه حق زندگی، شغل، ازدواج، بهره مندی از امکانات و... دارند. این حق تا زمانی برای افراد محفوظ و مسلم است که از میانه روی و اعتدال خارج نشوند و رفتار او از قانون بالا نرود. قرآن کریم - علت نفرین و لعنت کافران بنی اسرائیل را نهی نکردن از منکر بیان کرده - می فرماید: «كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ؛ آنها نهی از منکر و زشتی نمی کردند، آن را مرتکب می شدند، چقدر بد است کاری که آنها انجام می دهند.» (مائده/ ۷۹) اهمیت نظارت و کنترل همگانی برای این است که مفاسد و اسراف، شبیه ویروس منحوس کرونا هستند که از فرد به اجتماع سرایت و به مرور زمان همه را مبتلا می کند و اقتصاد جامعه را زمین می زند. امام باقر (ع) می فرماید: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَا جُ الصَّلَاحُ عَزِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحِلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَطَالِمُ وَ

تُعْمَرُ الْأَرْضُ و...؛ امر به معروف و نهی از منکر، روش پیامبران و طریقه ی دانشمندان است، واجبی است که به وسیله آن فرایض و واجبات بر پا می شود، راه ها امن می شود، کسب ها حلال می گردد، مظالم به صاحبان اصلی بر گردانده می شود، زمین ها آباد می گردد، و...» (کلینی، (ج ۵)، ۱۴۰۷: ۵۶) شیخ طوسی (ره) می فرماید: «امر به معروف هم با دست می شود، هم با زبان، اما با دست این است که انسان خودش شخصاً عامل کار خیر باشد و عملاً از منکرات اجتناب کند، به گونه ای که مردم به او اقتدا کنند، اما به وسیله زبان آن است که مردم را دعوت کنند و نوید بدهند که در دنیا مورد ستایش و در آخرت مشمول پاداش الهی واقع می گردند.» (نجفی، (ج ۲۱)، ۱۴۱۲: ۳۸۰) بنابراین، این اصل مهم و بنیادین اگر به-عنوان یک فرهنگ در جامعه نهادینه شود، جامعه سروسامان پیدا می کند به ویژه از اسراف و ولخرجی جلوگیری می شود و اقتصاد در جامعه رشد پیدا می کند؛ زیرا اسراف و تبذیر از گناهان کبیره و عامل فساد اجتماعی است.

بخش سوم: مبارزه با اسراف در حوزه ی بین الملل

در این بخش؛ مبارزه با اسراف دائر مدار نفی سلطه ی کفار بر مسلمین و نپذیرفتن استعمار است.

۱. رابطه ی اسراف و قدرت

در گذشته جنایتی که یزید بر مسلمانان وارد کرد منحصر بحادثه کربلا نبود زیرا در ذی حجه سال ۶۳ هجری هنگامی که اطلاع پیدا کرد مردم مدینه قیام کرده اند، جنونش تحریک شد و سخت به هیجان آمد سپاهی از مردم شام بفرماندهی مسلم بن عقبه که از جباران عرب بود و در تاریخ عرب بنام مسرف شهره است بسوی مدینه فرستاد، مسلم مدینه را فتح کرد و مدت سه روز شهر را به قتل و غارت داد و حادثه حره را به وجود آورد، سپاهیان در قتل و غارت اسراف کردند آن چنان که او را مسرف نامیدند. (ر. ک: تاریخ سیاسی اسلام (ترجمه)، ۱۳۷۶، ج ۱، ص: ۳۵۳).

بنا به فرمایش رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه ی مدظله العالی در بیانیه ی گام دوم

انقلاب: «اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است». امروزه نیز در ادبیات سیاسی جهان، دولت‌های حرفی اول را می‌گویند که قدرت داشته باشند. وزیربنای قدرت اقتصاد کشورهاست. پس قدرت وابسته به اقتصاد است و اقتصاد با عدم اسراف و تبذیر رابطه‌ی تنگاتنگ دارد. اگر اقتصاد ضعیف شود کشور اسلامی وابسته به بیگانگان می‌شود و از اقتدار اسلام کاسته می‌شود، البته منظور از ضعف اقتصادی پایین بودن تولید است نه فقر. (شکراللهی، ۱۳۸۸: ۶۹) الگوی روشن آن را در جمهوری اسلامی ایران مشاهده که تمام قدرت‌های سلطه‌گر دنیا و هم پیمانان شان دست به دست هم داده‌اند و ایران را تحریم کردند تا قدرت او را ضعیف و ناتوان و اقتصاد ایران را فلج کند.

اما غافل از آن که در رأس این کشور؛ فقیه فرزانه «امام خامنه‌ای مدظله‌العالی» قرار دارد که تمام توطئه‌های دشمن را به موقع خنثی می‌کند و راه‌های نفوذ دشمن را سد می‌کند. البته اوج فشار اقتصادی، در سال ۱۳۸۸ بود که با فشار حد اکثری تحریم اقتصادی، می‌خواست ایران را مجبور کند که از آن‌ها تبعیت نماید. در این برهه از زمان، «امام خامنه‌ای مدظله‌العالی» برای حفاظت از اقتدار اقتصادی، و استحکام ساخت درونی، و پاسداری از اسلام در یک اقدام عملی می‌فرماید: باتأسف ما گرفتار اسراف شده‌ایم: اسراف در تجملات زندگی، لباس، خوراک، زینت‌ها و همین‌ها است که در جامعه بی‌عدالتی به وجود می‌آورد، و زندگی را خراب می‌کند و بالاخره منجر به نابودی اقتصاد می‌شود. در حالی که اقتدار اقتصادی، مبارزه با اسراف، صرفه‌جویی، گسترش کار سازنده، و اصلاح الگوی مصرف است. اگر کشوری بخواهد که استحکام درونی اقتصادش آسیب‌پذیر نباشد، یکی از کارهای لازم و ضروری که باید انجام بدهد، این است که اسراف و زیاده‌روی. مانند این‌ها را کنار بگذارد. (ر. ک: مجموعه بیانات رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای مدظله‌العالی) در رابطه با اصلاح الگوی مصرف. (۳۰/۰۶/۱۳۹۵)

«ما باید به نحو مدبرانه و عاقلانه مصرف کردن را مدیریت کنیم. چون مصرف از نظر اسلام، و همه‌ی عقلای عالم، باید تحت کنترل عقل قرار بگیرد. اگر با خواهش هوی نفس، مصرف

مدیریت شود. کار به هدر دادن منابع کشور و شکاف بین فقرا و اغنیاء منجر می شود، برخی در حسرت اولیات زندگی می مانند و بعضی با ولخرجی، منابع به هدر می دهند. ماباید الگوی مصرف داشته باشیم و «اصلاح الگوی مصرف» برای همه ما دستورالعمل باشد تا از منابع کشورمان به بهترین وجه استفاده کنیم.» (ر. ک: گزیده ای از پیام نوروز ۱۳۸۸ امام خامنه ای) با ایراد این دستور العمل ها نه تنها ایران را نجات می دهد، بلکه تمام برنامه ها و یاوه گویی های دشمن را بهم می ریزد و مأیوس می کند و به ملت ایران نیز نقشه ی راه را ترسیم می نماید که از اسراف و تبذیر بپرهیزد تا قدرت و عظمت اسلام و ایران حفظ شود.

۲. استعمار و اسراف

می توان گفت پدیده ای «استعمار» حدود دو قرن پیش در دنیا به وجود آمد در آغاز يك یا دو دولت اروپایی کشف کردند که در شرق عالم منابع عظیم ثروت وجود دارد. مثلاً در هندوستان انواع و اقسام منابع ثروت از داروهای گیاهی، ادویه ی گوناگون، طلا و ... وجود داشت که منابع ثروت به حساب می آید. این دولت ها از اطراف دنیا راه افتادند برای تصرف این سرزمین ها. در بعضی از کشورها استعمار حالت مستقیم پیدا کرد؛ مثل هند، الجزایر، کشورهای آفریقایی اما در بعضی جاها مانند ایران استعمار غیرمستقیم از اواخر دوران قاجار، به وجود آمد. دست بیگانگان بر سرنوشت کشور باز شد در اواخر دوران آنان انگلیسی ها، يك عامل مستقیم به نام رضاخان را پیدا کردند که ملت ایران و صاحبان این سرزمین؛ دست خوش استبداد و سلطه ی خارجی شدند استعمارگرها در طول مدت استعمار - چه در ایران، چه در هر نقطه ای از دنیا - يك قدم به نفع حقوق بشر، آزادی و تساوی طبقات برنداشتند، هر چه خواستند بیشتر دیکتاتوری و استبداد کردند. تاریخ ما تا دوران انقلاب این طوری گذشته است.

اما ملت با استعداد، آگاه و آماده ی فعالیت ایران. از همان روزهای اول تسلط خارجی ها با پرچم داری علمای بزرگ مقاومتها را شروع کردند مقاومت و نهضت مقابله ی با امتیاز تنباکو، نهضت مشروطیت نهضت میرزا کوچک خان جنگلی، خیابانی، نهضت آزاد کردن صنعت نفت و بعد هم نهضت اسلامی که امام خمینی (ره) تکیه گاه مستحکم فکری این نهضت و پایه های

عمده‌اش همان اصول اسلامی بود. نهضت امام که به انقلاب بزرگ اسلامی انجامید، چالشی در مقابل همه‌ی قله‌ها و حکومت‌های انحرافی استعمارگر و سلطه‌طلب در دنیا بود که توانیست آن‌ها را خصوصاً دست آمریکایی‌ها و نظام سرمایه‌داری و نظام الحادی مارکسیستی را از ایران قطع کند و خودش یک نظام مستقل اسلامی ایجاد کند. (سایه سار ولایت، خامنه‌ای، علی ج (۵)، ص: ۸۵، بی‌عبد.) اما استعمارگران، برای رسیدن به اهداف شان در یک کشور تلاش می‌کنند تا از طرق مختلف، آن را در اقتصاد وابسته نمایند تا به راحتی ثروت و معادن کشورهای محروم را به غارت ببرند. استعمار برای تحقق این امر اول جامعه‌ی آن کشور را به اسراف می‌کشاند تا جای که مصرف‌کننده‌ی اجباری اجناس آنان شوند. (حسین ایرانی، بی تا: ۳۶) ایرنا- روزنامه انگلیسی‌گاردین در گزارشی به سقوط اقتصاد افغانستان در پی تحریم‌های آمریکا اشاره می‌کند که جنگ اقتصادی واشنگتن در آن کشور با جنایت علیه بشریت برابری می‌کند. راهبرد آمریکا وارد آوردن شدیدترین فشار اقتصادی به افغانستان است. ابزار واشنگتن در این جنگ شامل مسدود کردن دارایی‌های دولت افغانستان در نیویورک و جلوگیری از پرداخت‌های صندوق بازسازی افغانستان در بانک جهانی است. این گزارش در ارائه آمارهایی از وضعیت افغانستان می‌نویسد: در حالی که تجارت غیرقانونی تریاک هم چنان ادامه دارد، بقیه اقتصاد افغانستان سقوط کرده است. شرکت‌ها به طور متوسط ۶۰ درصد از کارمندان خود را اخراج کرده‌اند، قیمت مواد غذایی ۴۰ درصد افزایش یافته و نیمی از جمعیت افغانستان به کمک‌های انسان دوستانه نیاز دارد و نرخ فقر به ۹۰ درصد رسیده است. صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) برآورد کرده بیش از نیمی از کودکان افغان در خطر مرگ به دلیل سوءتغذیه قرار دارند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران: ۱۸ بهمن ۱۴۰۰، ۱۱:۲۸، کد خبر: ۸۴۶۴۱۶۰۵).

وقت اقتصاد یک کشور سقوط کند، کارخانه‌ها در حال تعطیل در آید و مردم به کمک‌های انسان دوستانه نیاز پیدا کند نتیجه‌اش وابستگی اقتصادی و تنها مصرفی شدن آن کشور است که آثار و نتایج زیانباری را برای فرد و جامعه در پی دارد. برخی از این آثار زیان‌بار، بدین قرارند:

۱. وابستگی به بیگانگان؛ وابستگی اقتصادی و مصرفی بودن ناگزیر به واردات کالای خارجی خواهد شد؛ که این امر زمینه‌ساز سلطه فرهنگی بیگانگان بر چنین جامعه‌ای خواهد شد؛ چراکه

بخشی از فرهنگ بیگانه، از طریق واردات کالا به کشور منتقل می شود.

۲. ایجاد روحیه طمع ورزی؛ وابستگی اقتصادی و مصرفی بودن موجب می شود کشور وابسته و جامعه وابسته همیشه خود را محتاج و ضعیف ببیند و گرفتار روحیه ای طمع ورزی گردد.

۳. اختلاف طبقاتی؛ یکی از زیان های اجتماعی وابستگی های اقتصادی و مصرفی بودن افزایش اختلاف و شکاف طبقاتی در جامعه است. چون این امر مانع از سرمایه گذاری جهت طرح و اجرای زیرساخت های توسعه است، سدّی در مقابل توسعه یک جامعه به شمار می رود. و از طرف دیگر برخی افرادی ذی نفوذ می توانند اقتصادی زیادی را از راه های گوناگون به نفع خودش جلب کند که نمونه آن را در کشور افغانستان دیدیم. (محقق).

نتیجه گیری

از لابلای تحقیقات در منابع و مطالب فوق الذکر به نکات ذیل رسیدیم؛ از نگاه فقه اسلامی اسراف و تبذیر دو واژه ای هستند که عاملین آن مورد توبیخ و مذمت قرار گرفته و مستحق عقاب دانسته شده اند. حرمت اسراف و تبذیر توسط (آیات، روایات، اجماع، عقل) ثابت شده که شکی در حرمت آنان وجود ندارد؛ از منابع فراوان معتبر و متقن راه های مبارزه با این پدیده زیانبار را در دوحوزه ی بین المللی و داخلی (کشورهای اسلامی) به دست آوردیم که با توجه به آن راه ها و نصب العین قرار دادن و عمل کردن به این عوامل یقینا ما را از افتادن در تباهی و فساد نجات خواهد داد، و عزت و اقتدار امت اسلامی مان را که متوقف بر تقویت اقتصاد اسلامی است حفظ خواهد کرد، هم چنین مبارزه با اسراف در محور داخلی را به دو دسته (اجتماعی و فردی) مورد تحقیق قرار داده ایم و تمام مؤلفه های آن را با استناد به منابع معتبر، بررسی کردیم که عمل به این عوامل، منجر به تقویت نظام اقتصادی اسلامی است. کلیه ی برنامه ها؛ کوچک و بزرگ فردی، اجتماعی و بین المللی، منوط به اقتصاد کشورها است اگر اقتصاد کشورها در اثر اسراف و ریخت و پاش ها و ولخرجی ها و افراط ها، ضعیف و ناتوان گردد همه ی برنامه های کشور اسلامی به نتیجه ی مطلوب نخواهد رسید و انتظارات را آنچنان که شایسته و بایسته است برآورده نخواهد کرد؛ چون زیربنای هر برنامه برای رشد و ترقی و پیشرفت کشور و جامعه در گرو اقتصاد است.

کتابنامه

قرآن

الف- منابع فارسی

- ایرانی حسین، مشکل اسراف، مؤسسه ی در راه حق، قم، بی تا.
- پژوهش انتشارات هنارس، گامی به سوی اصلاح الگوی مصرف، هنارس، تهران، ۱۳۸۸.
- جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، زیر نظر ناصر مکارم شیرازی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۳.
- حسینی اصفهانی مرتضی، جهاد اقتصادی، شرکت نشر فرهنگ قرآن، قم، ۱۳۹۰.
- حکیمی؛ محمدرضا و حکیمی؛ محمد و حکیمی؛ علی، الحیاة، احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
- دلشاد تهرانی مصطفی، دولت آفتاب؛ اندیشه ی سیاسی و سیره ی حکومتی امام علی (ع)، دریا، تهران، ۱۳۷۹، چاپ دوم.
- دیلمی محمد، إرشاد القلوب، مترجم: عبدالحسین رضایی، اسلامیه، تهران، ۱۳۷۷، چاپ سوم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، مصحح: خسروی حسینی، غلامرضا، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۴.
- رفیعی محمدی ناصر، اسراف، تبذیر، تباهی سرمایه ها، جامعة المصطفی العالمیه، قم، ۱۳۸۸.
- ستوده امیر رضا، پا به پای آفتاب، نشر پنجره، تهران، ۱۳۴۰.
- سروش محمد علی، آه سرد، دارالحديث، قم، ۱۳۸۶.
- طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، جامعه

مدرسین، قم، ۱۳۹۰ ق.

طریحی محمد، مجمع البحرين، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۵، چاپ سوم.
علی شیرازی، نصیحت های رهبری راهگشای عبور از بحران، مؤسسه ی فرهنگی خادم
الرضا(ع)، قم، ۱۳۸۰.

فیض کاشانی مرتضی، تفسیر الصافی، مصحح: حسین اعلمی، مکتبه الصدر، تهران،
۱۴۱۵، چاپ دوم.

قدوسی زاده حسن، جرعه ها(گزیده ای از بیانات رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه
ای(مدظله العالی)، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۲.

قطبی هادی، در سایه خورشید، نیم نگاهی به زندگانی و خاطراتی از مقام معظم رهبری،
انتشارات احمدیه، قم، ۱۳۸۹، چاپ دهم.

کلاتری علی اکبر، اسلام و الگوی مصرف، مؤسسه بوستان کتاب(مرکز چاپ و نشر دفتر
تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۸، چاپ دهم.

مجلسی محمد باقر، آداب معاشرت، مصحح: محمد بهشتی، اسلامیه، تهران، ۱۳۶۴.

مجموعه از چشم انداز امام علی(ع)، مؤسسه ی فرهنگی اندیشه ی معاصر، تهران، ۱۳۸۸.

محمدی اشتهاوردی محمد، اسراف بلای خانمان سوز، مطهر، تهران، ۱۳۷۹.

محمدی ری شهری محمد، سیاست نامه امام علی(ع)، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث،
قم، ۱۳۹۰.

مدیر شانه چی کاظم، تاریخ فقه مذاهب اسلامی، مؤسسه بوستان کتاب(مرکز چاپ و نشر
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۹۱، چاپ دوم.

مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، فرزانه ای از نسل کوثر، تهران، ۱۳۷۸.

مطهری مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۸۰.

مکارم شیرازی ناصر، دائره المعارف فقه مقارن، مدرسه امام علی بن ابی طالب(ع)، چاپ
اول، قم، ۱۴۲۷ ق.

نوری همدانی حسین، **بیت المال در نهج البلاغه**، بنیاد نهج البلاغه، تهران، ۱۳۸۶، چاپ دوم.

نوری حسین، اقتصاد اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.

ب- منابع عربی

ابن ابی الحدید، **شرح نهج البلاغه**، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیه، قم، ۱۳۷۸ ق.

انصاری محمد علی، **دراسة حول الاسراف فی الکتاب و السنة**، قم دفتر تبلیغات اسلامی حوزه ی علمیه-ی قم، ۱۳۷۹.

ابن ادريس حلی، **السرائر**، مؤسسة النشر الاسلامیة، تهران، ۱۳۹۰.

ابن بابویه، محمد بن علی، **الخصال**، مصحح: غفاری، علی اکبر، جامعه مدرسين، قم، ۱۳۶۲.

ابن منظور محمد بن مکرم، **لسان العرب**، دارالفکر، الطبعة الثامنة، بیروت - لبنان، ۱۴۲۴ هـ.

امینی عبدالحسین، الغدير، الغدير للدراسات الاسلامیه، ۱۴۲۰.

تمیمی آمدی محمد، **تصنيف غرر الحکم و درر الکلم**، مصحح: مصطفی درایتی، دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۶۶.

حرعاملی، **وسائل الشیعه**، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۳۶۷.

حرانی ابن شعبه، **تحف العقول**، مترجم: احمد جنتی، مؤسسه امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۲.

.....، **تحف العقول**، مصحح: غفاری، جامعه مدرسين، قم، ۱۳۶۳، چاپ دوم.

خمینی، روح الله، **تحریر الوسيله**، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم، ۱۳۸۱ ش.

خوانساری آقا جمال، **شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم**، مصحح:

جلال الدین حسینی ارموی محدث، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۶، چهارم.

الخنوی ابوالقاسم، **مستند العروة الوثقی**، مکتبة الآداب فی النجف،

شهید اول محمد بن مکی، **ذکری الشیعه فی احکام الشریعه**، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۱۹.

الطبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان**، منشورات الشریف الرضی، الطبعة السادسة، قم، ۱۳۹۲.

عسکری عبدالله، **الفروق اللغویه؛ الفرق بین العلم و الفقه**، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۷.

الفاضل المقداد، **کنز العرفان**، المكتبة الرضویة، السیوری،

الفراهیدی، احمد، **کتاب العین**، دارالکتب العلمیه، بیروت - لبنان، ۱۴۲۴هـ.

کلینی محمد بن یعقوب، **الکافی**، مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷، چهارم.

لیثی واسطی محمد، **عیون الحکم و المواعظ**، مصحح: حسین حسنی بیرجندی، دار الحديث، قم، ۱۳۷۶.

مجلسی محمد باقر، **بحار الأنوار**، دار إحياء التراث العربي، بیروت، ۱۴۰۳، الطبعة الثانية.

نجفی، محمد حسن، **جواهر الکلام**، مؤسسة التاريخ العربی، بیروت - لبنان ۱۴۱۲.

نراقی، ملا احمد، **عوائد الايام فی البیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام**، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.

نوری حسین، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۰۸.

وَرَّام بن أبي فراس، **مجموعة ورام**، مكتبة فقيه، قم، ۱۴۱۰.

ج- روزنامه ها و مجلات

روزنامه ی رسالت، ۱۳۷۴/۱/۱۶

فراخوان رهبری، ۱۲-۱۴

گزیده ای از پیام نوروز ۱۳۸۸ امام خامنه ای مدظله العالی

شخصیت و دیدگاههای فقهی امام یوسفیان، نعمت الله،

- ابن إدريس، الذخيرة، أبو العباس شهاب الدين أحمد بن إدريس بن عبد الرحمن المالكي الشهير بالقرافي (المتوفى: ۶۸۴هـ) الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۹۹۴ م.
- النفاوي، الفواكه الدواني على رسالة ابن أبي زيد القيرواني، أحمد بن غانم (أو غنيم) بن سالم ابن مهنا، شهاب الدين النفاوي الأزهرى المالكي (المتوفى: ۱۱۲۶هـ) الناشر: دار الفكر، الطبعة: بدون طبعة، تاريخ النشر: ۱۴۱۵هـ - ۱۹۹۵ م.
- ابن محمود العطار، حاشية العطار على شرح الجلال المحلي على جمع الجوامع حسن بن محمد بن محمود العطار الشافعي (المتوفى: ۱۲۵۰هـ) الناشر: دار الكتب العلمية، بی تا.
- حكيم، الأصول العامة للفقهاء المقارن أصول الفقه عند الشيعة، السيد محمد تقي الحكيم، ناشر: مؤسسة آل البيت للطباعة والنشر.
- القمّي، القوانين المحكمة في الأصول المتقنة، القمّي، الميرزا أبو القاسم به ميرزای قمی (۱۱۵۰- ۱۲۳۱ق) ناشر: احیاء الكتب الإسلامية، قم. ج: اول، ۱۴۳۰ق.
- وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، الموسوعة الفقهية الكويتية صادر عن: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت، عدد الأجزاء: ۴۵ جزء، الطبعة: (من ۱۴۰۴ - ۱۴۲۷ هـ) الأجزاء ۱ - ۲۳: الطبعة الثانية، دارالسلاسل - الكويت،.. الأجزاء ۲۴ - ۳۸: الطبعة الأولى، مطابع دار الصفوة - مصر،.. الأجزاء ۳۹ - ۴۵: الطبعة الثانية، طبع الوزارة.
- عاملي، معالم الدين وملاذ المجتهدين الشيخ حسن بن زين الدين العاملي، ناشر مؤسسة الفقه للطباعة والنشر، المطبعة: باقري.
- مكارم، دائرة المعارف فقه مقارن، آيت الله العظمى ناصر مكارم شيرازي دام ظلّه، ناشر: مدرسه الامام على بن ابي طالب مكان چاپ: قم، سال چاپ: ۱۴۲۷ هـ. ق، ج: اول. شيرازي دام ظلّه.
- طبرانی، التفسير الكبير: تفسير القرآن العظيم (الطبرانی): طبرانی، سليمان بن احمد، ناشر: دار الكتاب الثقافي، مكان چاپ: اردن - اربد، سال: ۲۰۰۸ م، ج: ۱.
- نراقی عوائد الأيام في بيان قواعد الأحكام نويسنده: النراقي، المولى احمد
- موسسه دائرة المعارف فقه اسلامي فقه اهل بيت - فارسی موسسه دائرة المعارف فقه اسلامي

فرهنگ فقه فارسی، موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی فرهنگ فقه فارسی، موسسه دائرة
المعارف الفقه الاسلامی

خویی، المستند فی شرح العروة الوثقی، الخوئی، السید أبو القاسم - الشیخ مرتضی البروجردی
ابن عثیمین، فتاوی نور علی الدرب، محمد بن صالح بن محمد العثیمین (المتوفی: ۱۴۲۱ هـ)
بی تا.

عیاشی، التفسیر (تفسیر العیاشی) عیاشی، محمد بن مسعود، مكتبة العلمية الاسلامية، مكان
چاپ: ایران - تهران، سال: ۱۳۸۰ هـ. ق، ج: ۱.

مکارم، پیام امام امیر المومنین علیه السلام، آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی دام ظلّه،
ناشر: دار الکتب الاسلامیه، مكان چاپ: تهران، سال: ۱۳۸۶ هـ. ش، ج: اول.
عوائد الايام في بيان قواعد الأحكام احمد ابن محمد مهدي النراقي.

پاینده، تاریخ سیاسی اسلام (ترجمه): پاینده، ابو القاسم، ناشر: جاویدان، مكان چاپ: تهران،
سال: ۱۳۷۶، نوبت چاپ: نهم.

خامنه‌ای، علی، سایه سار ولایت (منشور مطالبات مقام معظم رهبری از دانشگاه و دانشگاهیان)،
۶ جلد، دفتر نشر معارف - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۸.

مکارم سوگندهای پر بار قرآن؛ مکارم شیرازی، ناصر، ناشر: مدرسة الإمام علي بن أبي طالب
، ایران - قم، ۱۳۸۶ هـ. ش، نوبت: ۲.

ثقفی، الغارات (ط - الحديثة) ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، ناشر: انجمن آثار
ملی، مكان چاپ: تهران، سال: ۱۳۹۵ ق، ج: اول.

مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایرة المعارف قرآن کریم، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ناشر:
بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) ج: ایران - قم: ۱۳۸۲ هـ. ش،
ج: ۳.

تمیمی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، التمیمی الأمدی، عبد الواحد بن محمد، تاریخ وفاة
المؤلف: ۵۵۰ ق، الناشر: مكتب الاعلام الاسلامی: ایران؛ قم، ۱۳۶۶ ش، رقم الطبع: ۱.